

۹۴
(د)
۱
۲۰۶
(۱۶)

آشنایی زدایی و فرآیند پویایی زبان

www.ketab.ir

دکتر سید محمد رضی مصطفوی نیا

عضو هیئت علمی دانشگاه قم

سعدالله همایونی احمد محمدی نژادپاشاکی

مصفوی نیا، سید محمد رضی، ۱۳۴۸ -	سرشناسه:
آشنایی زدایی و فرایند پویایی زبان/ سید محمد رضی مصطفوی نیا،	عنوان و نام پدیدآور:
سعدالله همایونی، احمد محمدی نژاد پاشاکی.	
قم: پوشگر؛ دانشکده اصول دین، ۱۳۹۳.	مشخصات نشر:
۲۰۵ ص.	مشخصات ظاهری:
فیبا	وضعیت فهرست نویسی:
کتابنامه.	یادداشت:
سیکشناسی	موضوع:
بدیع	موضوع:
همایونی، سعدالله، ۱۳۶۵ -	شناسه افزوده:
محمدی نژاد پاشاکی، احمد، ۱۳۶۵ -	شناسه افزوده:
دانشکده اصول دین	شناسه افزوده:
۱۳۹۳ م ۲/۵۱۶ PNT	زده بندی کنگره:
۸۰۹	زده بندی دیی:
۳۵۱۸۳۷۳	شماره کتابخانه ملی:
۹۷۸-۹۶۴-۶۰۴۸-۰۹-۶	شابک:

طبع و نشر: قم



کتابخانه ملی و اسناد ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

آشنایی زدایی و فرایند پویایی زبان

دکتر سید محمد رضی مصطفوی نیا، سعدالله همایونی و احمد محمدی نژاد پاشاکی.

ویراستار ادبی: محمود رضا توکلی محمدی

طراح جلد و صفحه آرا: احمد محمدی نژاد پاشاکی

تهیه و تنظیم: دانشکده اصول الدین قم

ناشر: انتشارات پوشگر

تاریخ و نوبت چاپ: ۱۳۹۳ - چاپ اول

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد رقی

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۰۴۸ - ۰۹ - ۶

انتشارات پوشگر

قم، بلوار امین، ایستگاه زینبیه، شماره ۲۷۶

تلفن: ۳۲۹۳۷۶۴۳ فاکس: ۳۲۹۳۶۱۰۶

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۹
فصل اول.....	۱۹
۱-۱. زبان و کارکردهای آن.....	۲۰
۱-۲. فرآیندهای زبانی.....	۲۲
۱-۲-۱. زبان معیار.....	۲۳
۱-۲-۲. برجسته‌سازی (پیش‌نما سازی).....	۲۸
۱-۲-۲-۱. آشنایی‌زدایی.....	۳۲
۱-۲-۲-۲. مفهوم آشنایی‌زدایی و اهمیت آن.....	۳۶
۱-۲-۲-۳. مفهوم اصطلاحی آشنایی‌زدایی.....	۴۰
فصل دوم.....	۴۵
۲-۱. انواع آشنایی‌زدایی.....	۴۶
الف) هنجارگریزی واژگانی.....	۴۶
۱-آوایی.....	۴۶
۲-واژگان‌زایی.....	۵۱
۳-گوشی.....	۵۵

۵۶..... ۴-نوشتاری (شعر تجسمی یا دیداری یا نگاره یا کانکریت)

۶۳..... ۵-باستانگرایی واژگانی

۶۵..... (ب) هنجارگریزی ترکیبی

۶۶..... ۱-تشبیه، استعاره و مجاز

۷۷..... ۲-حسن آمیزی

۸۷..... ۳-کنایه

۹۰..... ۴-ایجاز و حذف

۹۱..... ۵-هنجارگریزی (سبکی یا بیانی)

۹۵..... ۶-باستانگرایی نحوی

۹۷..... ۷-آشنایی زدایی قاموسی

۹۷..... ۸-بیان پارادوکسی

۱۰۰..... پارادوکس اضافی:

۱۰۵..... پارادوکس حکمی

۱۱۷..... پارادوکس نحوی

۱۲۴..... انواع دیگر

۱۲۹..... فصل سوم

۱۳۰..... ۳-۱. کارکرد آشنایی زدایی در پویایی زبان

۱۴۱..... کلام آخر

۱۴۵..... آشنایی با اعلام کتاب

- منابع و مأخذ..... ۱۹۱
- کتاب..... ۱۹۲
- مقاله..... ۲۰۱
- سایت..... ۲۰۶

www.ketab.ir

مقدمه

زبان در زندگی، فرهنگ و تمدن هر ملتی نقشی تعیین کننده ایفا می‌کند، اما اغلب به سبب انس و آشنایی دائمی با زبان، به ندرت درباره آن به تأمل می‌پردازیم و همواره وجود آن را مثل نفس کشیدن یا راه رفتن بدیهی فرض می‌کنیم. در واقع زبان آدمی به هیچ وجه ذاتی نیست؛ بلکه ما زبان را از طریق تجربه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم فرا می‌گیریم. اثرات زبان در حیات آدمی بسیار حتمی است و ویژگی‌های متعددی را در برمی‌گیرد که انسان را از حیوان متمایز می‌سازد.

بشر اولیه چنین می‌اندیشید که طبیعت با او سخن می‌گوید، به او اخطار می‌دهد یا تهدیدش می‌کند، او را می‌ترساند و با او جرأت می‌دهد، خورشید از پشت ابرها چشمک دوستانه‌ای به او می‌زند و شعاعی از نور را رها می‌کند، رعد با صدای وحشتناکی با آن عده که از فرمان سرپیچی می‌کنند، سخن می‌گوید و... «تمام چیزهایی که مدت‌هاست به صورت تصویرهای شاعرانه در آمده‌اند، زمانی در معنای مستقیم به کار می‌رفته‌اند و اصلاً معنای مجازی نداشته‌اند. تمام وقایع طبیعت از زبان خدا یا خدایان بیان می‌شدند، این عقاید ابتدایی از میان

رفتند و پندار خام طبیعت سخنگو جای خود را به این آگاهی داد که تنها بشر قادر به سخنگویی است.^۱

با نگاهی به خلقت آدمی در می‌یابیم که آفرینش وی با بیان و زبان همراه بوده، چنانچه خداوند می‌فرماید «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ»^۲، این آیه به خوبی بیانگر اهمیت بیان و زبان پس از آفرینش انسان است، با این همه زبان و ظرافت‌های آن اغلب مورد فراموشی واقع می‌شود.

در حوزه زبان ادبی و ادبیات، مسئله فرم‌های زبان و ظرافت‌های بیانی و پیچیدگی‌ها و زیبایی‌های آن از اهمیت زیادی برخوردار است و به تبع آن نیازمند دقت در استفاده از این فرم‌های مختلف زبان است که هدفی فراتر از کارکرد ارتباطی زبان را دنبال می‌کند. ویژگی‌های مهم و مقوم زبان ادبی، مبالغه، کلی‌گویی، آشنایی زدایی و آرایه‌پردازی به جای تحلیل و استدلال است. از این رو هر زبانی که در آن مبالغه باشد یا آرایه را جایگزین دلیل کند، ادبی محسوب می‌شود. «هر چیزی که بر خیال روش معمول پدید آید، ناآشنا و شگفت‌آور است، و هر میزان که شگفتی سارتر باشد، به سختی به وهم و خیال آدمی خطور می‌کند، و هر میزان از وهم و خیال آدمی فاصله داشته باشد، بدیع‌تر و جذاب‌تر به شمار می‌آید. و هر میزان که بدیع‌تر باشد، تحسین برانگیزتر است، و هر اندازه که تحسین برانگیزتر باشد، مبتکرانه‌تر و خلاقانه‌تر خواهد بود، آدمی، مفاهیم ناآشنا را بزرگ می‌شمارد و تعابیر دور از ذهن را مبتکرانه و خوشایند می‌داند.»^۳

۱. کوندارتف: ۱۲.

۲. الرحمن: ۳ و ۴.

۳. الجاحظ، ۱: ۸۹-۹۰.

در واقع زبان ادبی، زبان معمول در ادبیات را به روش‌های گوناگون تغییر شکل می‌دهد، زبان معمول در ادبیات با شگردهای خاص شاعر و نویسنده، تقویت، تحریف و یا حتی واژگون می‌شود. در نتیجه زبان در ادبیات غریب می‌شود و به تبع آن دنیای مألوف در ادبیات، یکباره ناآشنا می‌گردد. «زمانی که گفتار از سیاق و الفاظی مألوف برخوردار باشد، معنای زیادی را برای مخاطب به همراه ندارد، بلکه این معنا زمانی حاصل می‌شود که با گزینش عبارت‌ها و تغییر فرم‌های زبانی، عناصر خیال را دگرگون سازیم»^۱

بنابراین میان زبان ادبی و انواع دیگر زبان تفاوت بارزی وجود دارد. به عنوان نمونه در زبان روزمره و محاوره، هدف از بکار بردن کلمات و ترکیب‌های زبانی، مشخص و روشن کردن حرف‌هاست، به همین جهت این زبان از بار تحت اللفظی - یعنی از یک دلالت - سربیز - برخوردار بوده و این زبان از بار دلالت‌های ضمنی خالی است. نوع دیگر زبان، زبان عاطفی است که در آن کلمه یا نشانه از بار دلالتی بیشتری برخوردار است و از این رو به زبان شاعرانه نزدیک‌تر است، اما در عین حال با آن تفاوت دارد. در اینجا نیز کلمه برای بیان حالتی و یا چیزی خارج از خود بکار می‌رود. اما عمل زبان شعری برعکس زبان اطلاع‌رسانی است. به قول یاکوبسن^۲ زبان شعری تهاجم سازمان یافته بر زبان محاوره‌ای یا اطلاع‌رسانی است. از این رو هر نوع انحراف از فرم خودکار زبان و ایجاد دگرگونی در ساخت‌های آن در صورتی که به زیبایی آفرینی منجر

۱. ابن رشد، ۱۹۷۳: ۲۶۰.

شود از ویژگی‌های سیستماتیک زبان شعری برخوردار است. ابن رشد می‌گوید: «کلمات در ابتدای امر غریب و نو هستند که در این حالت برای استعمال شعری مناسب‌ترند اما به مرور زمان مألوف می‌شوند و مناسب خطابه می‌گردند و آن حین که مرسوم‌تر شدند در شمار زبان معیار به حساب می‌آیند»^۱

از سوی دیگر هنر و ادبیات ادراک حس ما را دوباره نظام و سازمان می‌بخشد و ساختاری جدید پدید می‌آورد. عادت‌های ما را تغییر می‌دهد و هر چیز آشنای گرداگرد ما را بیگانه می‌کند، در حقیقت وظیفه هنر و ادبیات، کشف دوباره موجودیت اجسام، اشیاء و پدیده‌هاست. در زبان هنجار و عادی، دریاها از واقعیت، بی‌روح و خودکار می‌شود و وظیفه ادبیات این است که ما را آدر سازد تا به کمک عناصر ادبی در برابر واقعیت‌ها و اشیاء و پدیده‌های طبیعت، دریافتی متفاوت داشته باشیم، بنابراین واکنش‌های معمول، ساکن و سبای ما در برابر این واقعیت‌ها و پدیده‌های طبیعت جانی دوباره می‌یابد. در این دو در زبان شعر و به طور عموم در حوزه‌ی ادبیات، زیبایی‌ها و انگیزش عاطفی سخن، با پنهان کردن هر معنای کلمه، در واقع با آشنایی‌زدایی از معنای معمولی و آشنا، نمایان می‌شوند. زیبایی‌هایی که در زبان عادی آن را نمی‌بینیم، بنابراین شاعر با برجسته ساختن دلالت‌های ظریف که از معنای ویژه‌ی کلمه در زبان‌های عادی متفاوت است، معانی قاموسی کلمه را دگرگون می‌کند و از آنجایی که دگرگون ساختن معنای مألوف کلمه سبب انگیزش عاطفی مخاطب می‌شود، تأثیر گذاری آن بیشتر

است، از این رو شاعر کلمه را به نام معمول خود نمی‌خواند بلکه آن را طوری توصیف می‌کند که انگار برای نخستین بار دیده‌ایم او برای توصیف کلمه از نام معمول اجزای آن بهره نمی‌گیرد بلکه کلمه‌ی دیگر را برای نامیدن آن به کار می‌گیرد و در واقع کلمه‌ی دیگر را برای آن استعاره می‌آورد و به این ترتیب از زبان معیار معمول دور می‌شود و زبان نو پدید می‌آورد.

بنابراین، نوع گریز از معیاری که خود در چارچوب معیار زیبایی‌آفرینی و پویایی زبان صورت می‌گیرد و به تکامل و باروری آن بیفزاید در چارچوب مرسوم و فن آشنایی‌زدایی قرار گرفته و برای زبان مثبت و حائز اهمیت مرسوم از این رو در تعریفی اولیه از آشنایی‌زدایی می‌توان گفت «آشنایی‌زدایی استعمال مبتکرانه مفردات، ترکیب‌های ساختارشناسی و تصاویر زبان به صورتی غیر از استعمال معمول و مرسوم است. به طوری که این استعمال منحصر به نوعی ابداع و ابتکار و قدرت جذبی منحصر به فرد شود. به این ترتیب آشنایی‌زدایی حد مرز بین کلام فنی و کلام غیر فنی محسوب می‌شود.» از این رو شامل روش‌ها و ابزارهایی است که زبان طبیعی و خودکار را از حالت عادی و هنجار خارج می‌کند. این روش‌ها و ابزارها در دو حوزه موسیقی و زبان اتفاق می‌افتد، تغییر در اوزان عروضی، ابداع در چگونگی چیدمان ابیات شعر، تغییر در قواعد زبان معیار، استفاده از تعبیر و واژه‌های عامیانه و غیر فصیح و... که عادت‌های مرسوم زبانی مخاطب را به چالش

۱۴ / آشنایی‌زدایی و فرآیند پویایی زبان

بکشاند، از جمله راهکارهایی است برای آفرینش یک زبان جدید که بتواند در راستای اهداف مورد نظر به کار گرفته شود.^۱

از آنجا که هدف اصلی کتاب حاضر، بررسی، تنظیم و ساماندهی مفهوم آشنایی‌زدایی و نیز تأثیر این تکنیک در پویایی زبان است، تنها به منظور ارائه دیدی شفاف و تحلیلی به خوانندگان ارجمند به نقد و تحلیل برخی از نظریات، مقاله‌ها و کتاب‌های نوشته شده در این زمینه پرداخته شده است، هر چند در نوشته حاضر از پرداختن به برخی از ویژگی‌ها لفظی، سبک‌ها، قالب‌های شعری و دیگر ظرافت‌های شاعرانه که ما را از مفهوم آشنایی‌زدایی دور می‌کند، و جای تحقیق و بحث آن‌ها در حوزه نقدهای ادبی، هنری و زیبایی‌شناسی شعری می‌باشد، صرف نظر کرده‌ایم.

بنابراین ضروری است که به هنگام مطالعه بحث‌های آینده همواره نکات مذکور مورد عنایت خوانندگان سخن‌ساز هنر دوست باشد، تا دعای مولانا بدرقه راه نگارندگان این مختصر نگردد.

یا رب آن «ناقد» خودبین که بجز عیب دید

دودِ آهیش در آینه ادراک انداز

شایان ذکر است ماه‌ها تورق منابع فارسی و عربی و تحیل آن‌ها از منظر اسلوب‌شناسی، نگرشی بنیادی و جدید به نوشته‌ی حاضر ارزانی داشت. از جمله مهم‌ترین نتایج حاصل از کاربست این نگرش،

سازماندهی و تصحیح قلم‌های زده شده در حوزه آشنایی‌زدایی است. از اینرو نگارندگان با کنکاش در منابع عربی و فارسی به این نتیجه رسیدند که رویکردهای اندیشمندان پیرامون مفهوم آشنایی‌زدایی، یا تحت تأثیر شفیع‌ی کدکنی - به عنوان نمونه موفق در زبان فارسی - بوده‌اند یا نظراتی به سان دیدگاه‌های محمد ویس - به عنوان نمونهی جامع، از آشنایی‌زدایی در زبان عربی - ارائه کرده‌اند یا تحت تأثیر بی قید و شرط از لیچ^۱ - زبان شناس انگلیسی - بوده‌اند. اما این آثار به صورت نظام‌مند و منسجم به این مقوله نپرداخته‌اند و رویکردهای متفاوتی را در پیش گرفته‌اند.

در خصوص پیشینه موضوع، لازم به ذکر است مقاله‌ای با عنوان «تضادها و تقابل‌های هنری در و آثار کریم» اشاره‌ای به مسئله‌ی پارادوکس در قرآن داشته است اما بهتر بود نویسنده پارادوکس را زیر مجموعه‌ی تضاد قرار ندهد، تا به تبع آن، عناوینی چون تضادنمایی و ایهام تضاد برای پارادوکس، به کار گیرد. نگارندگان در این نوشتار به تفاوت‌های اساسی آن اشاره داشته‌اند.

علاوه بر این مقاله‌ای با عنوان «تضاد و انواع آن در زبان فارسی» بر همین منوال پارادوکس را جزء انواع تضاد برشمرده، که به نظر می‌رسد، تفاوت‌های این دو از دید نویسندگان مستور مانده است.

گردآورندگان این نوشته با رویکردی تحلیلی - نقدی، به آثار برخی زبان‌شناسان زبان عربی و فارسی، برآنند که ضمن پرداختن به چیستی

مقوله آشنایی‌زدایی، تقسیم‌بندی جدیدی از این هنر پربسامد در شعر معاصر ارائه دهند. در این راستا، از آثار بی‌شماری اعم از کتاب، مقاله و سایت بهره گرفته شده است. از جمله‌ی این منابع می‌توان به «الأسلوبية مدخل نظري و دراسة تطبيقية»، «موسیقی شعر»، «ساختار و تأویل متن»، «الأسلوبية في النقد العربي الحديث»، «النقد و الأسلوبية بين النظرية و التطبيق»، «از زبان‌شناسی به ادبیات»، «نظریه البنائية في النقد الادبي»، «الإنزياح في التراث النقدي و البلاغي»، «لغة الشعر العربي الحديث» اشاره کرد.

در فصل اول سخن بیان چارچوب و حدود زبان معیار، کارکردها و فرآورده‌های زبانی، مفهوم و اهمیت آشنایی‌زدایی، به تبیین مجموعه اصطلاحات مرتبط با مفهوم آشنایی‌زدایی از قبیل تجاوز، انحراف، کسر و ... پرداخته شده است، زیرا این واژگان از جمله متداول‌ترین اصطلاحات در این حوزه به شمار می‌روند.

شالوده‌ی فصل دوم بر دو مبحث استوار است نخست، بررسی هنجارگریزی واژگانی و اقسام آن، دوم تبیین مقوله هنجارگریزی ترکیبی و انواع مختلف آن، که هر دو بخش به صورتی کاملاً منسجم تقریباً همه انواع آشنایی‌زدایی را در خود منعکس می‌کند. شایان ذکر است که تقسیم‌بندی اقسام آشنایی‌زدایی در این نوشتار متفاوت با آن چیزی است که بزرگان این زمینه از جمله احمد محمد ویس، شفیع کدکنی و ... بدان پرداخته‌اند. در حالیکه محمد ویس در آشنایی‌زدایی جایگزینی به صورت گسترده به استعاره اهتمام می‌ورزد، در نوشته حاضر استعاره، تشبیه، مجاز، کنایه و ... در زیر مجموعه آشنایی‌زدایی ترکیبی قرار گرفته

است. زیرا آشنایی‌زدایی ترکیبی مبتنی بر روابط بین کلمات بوده و این روابط منجر به ایجاد یک اثر ادبی یا شعری می‌شود.

چه بسا انواع مختلف آشنایی‌زدایی ترکیبی به سبب عمق‌نگری شاعر، گزیدن ذهن منطقی مخاطب با مقراض تناقض و عروج به ملکوت معنا و خیال، از بارزترین جلوه‌ها و مظاهر این نوع آشنایی‌زدایی باشد؛ به همین دلیل بیشتر پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است.

در ادامه این پژوهش، کارکرد آشنایی‌زدایی و تأثیر آن در پویایی زبان را به صورت گسترده مورد مذاقه قرار می‌دهد و به بررسی وظیفه و کارکرد اصلی آشنایی‌زدایی که اساساً مربوط به خواننده است، می‌پردازد. در اثر پیش‌روی، نهایت دقت شده است که لغزش‌ها را به حداقل ممکن برسانیم، با این حال، نظرات شما، مسرت خاطر و دلگرمی گردآوردندگان را موجب می‌شود. لازم است از رحمت جناب آقای دکتر حسن مقیاسی عضو محترم هیأت علمی دانشگاه قم صمیمانه سپاسگزاری نموده، و برای ایشان از درگاه ایزد منان در مورد علمی آرزوی توفیق نماییم. از آقای محمود رضا توکلی محمدی عضو محترم هیأت علمی دانشگاه قم نیز که ویراست علمی کتاب را عهده‌دار بودند نهایت تشکر را داشته و برای ایشان آرزوی توفیق داریم.

دکتر سید محمد رضی مصطفوی نیا

عضو محترم هیأت علمی دانشگاه قم

احمد محمدی نژادپاشاکی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی
دانشگاه قم

سعدالله همایونی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی
دانشگاه تهران